

## نگاهی به برنامه انکار، نفی و تخریب

### حزب: علل و ریشه ها

انتشار این سند در لحظات حساس کنونی و در شرایط باز تشدید فعالیت های امنیتی رژیم بر ضد نیروهای مترقی، خصوصا حزب ما، نشانگر آگاهی و هوشیاری اکثریت قاطع رفقای حزبی در ایران و جهان است.

این سند در بیست و ششمین سالگرد یورش

برگزاری موفقیت آمیز پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی در آذر ماه سال جاری و انتشار اسناد و مصوبات آن از جمله سند مهم پلنوم حزب در باره وحدت و دشواری هایی که حزب ما در این سال ها با آن دست به گریبان بوده است بارتاب گسترده یی در داخل و خارج از کشور داشت. پیام های حمایت از سند مهم حزب، از داخل و خارج از کشور و تأکید بر بجا بودن

ادامه در صفحات ۶، ۷، ۸ و ۹

در ص ۳

بدرود "عمو" هنریار

شماره ۸۱۲، دوره هشتم

سال بیست و سوم ۱۳۸۷ اسفند ۱۳۸۷

### مقابله با تهاجم رژیم ولایت فقیه به جنبش دانشجویی

در آستانه سال نو، رژیم ولایت فقیه دور تازه ای از تهاجم برضد جنبش دانشجویی را زیر نام "دفن شهدا در دانشگاه ها" آغاز کرده و همزمان ارکان های امنیتی به شکار دانشجویان و فعالان دانشجویی در سراسر کشور مشغول هستند.

در جریان خاکسپاری تنی چند از شهدای گمنام در دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) گروهی از ماموران امنیتی و اوباش بسیجی به دانشجویان معترض که به حق خواستار پایان اینگونه اقدامات تبلیغاتی بودند، حمله کرده و ضمن ضرب و شتم تعداد بسیاری از جوانان دختر و پسر، ده ها دانشجو را بازداشت و روانه زندان ساختند.

در این خصوص دانشجویان دانشگاه امیر کبیر با محکوم ساختن اقدامات بسیج و ماموران امنیتی، "طرح دفن شهدا در دانشگاه ها" را بخشی از برنامه ارتجاع حاکم برضد

ادامه در صفحه ۳

### در این شماره

پیکار زنان جهان برای کسب برابری در ص ۲

اعتراض کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در ص ۴

برای توقف سرکوب، اختناق و سانسور در ص ۴

گزارش شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی

حزب توده ایران در هجدهمین کنگره حزب

در ص ۱۲

کمونیست یونان

### شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران



سرآمدن تاریکی هاست. تاریخ کهن میهن ما نوروز را روز پیروزی کاوه آهنگر، یعنی پیروزی نمادین مبارزات زحمتکشان بر ضد حکومت استبدادی ضحاک دانسته و جشن گیری این روز افزون بر استقبال از نو شدن طبیعت در واقع جشن پیروزی مبارزات مردمی تاریخ کشور ماست.

هم میهنان گرامی! کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن سال نو، سال ۱۳۸۸ را به شما تبریک می گوید و امیدوار است سال نو، سال پیشرفت ها و پیروزی های چشم گیر جنبش مردمی در مقابله با رژیم استبدادی حاکم باشد. نوروز، عید باستانی ایرانیان، یادآور سنن خجسته هزاران ساله پیروزی نو بر کهنگی، آغاز تولد دوباره طبیعت، شروع بهاران و

ادامه در صفحه ۱۰

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

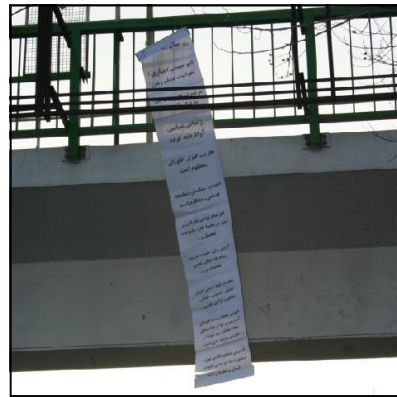
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

## پیکار زنان جهان برای کسب برابری

روز یکشنبه ۱۷ اسفندماه (۸ مارس) امسال، هزاران زن در سراسر جهان، از تهران و شهرهای مختلف کشورمان تا بنگلور و کینشازا و پایتخت‌های کشورهای اروپایی، به مناسبت روز جهانی زن در خیابان‌ها و اماکن عمومی گرد هم آمدند و ضمن اعتراض به خشونت‌های خانگی و فقر فزاینده، خواست برابری زنان و مردان را به گوش جهانیان رساندند.

### در ایران

امسال، همچون سال‌های گذشته فعالان جنبش زنان با ابتکارات گوناگون، از جمله جشن‌های کوچک محلی، جمع شدن در خانه فعالان زنان و همچنین گرد هم آیی گوناگون،



سالگرد روز جهانی زن راه، با وجود همه فشارها و شرایط سرکوب و ارباب رژیم، گرمی داشتند. شماری از فعالان جنبش زنان در تهران و کرج با تلاش مشترکی اقدام به راهپیمایی و پخش تراکت‌ها و اعلامیه‌هایی در زمینه حقوق زنان کردند که با استقبال وسیع مردم رو به رو شد. چهار گروه در تهران و دو گروه در کرج سازمان دهندگان این راه پیمایی زنان بودند. از چهارگروه تهران دو گروه موظف شدند که علاوه بر پخش تراکت به نصب طومار شعارها نیز بپردازند. دو گروه دیگر وظیفه اشان پخش تراکتها بود. طومارها در بالای پل‌های عابر پیاده: یکی بالای پل عابر پیاده ی میدان هفت تیر و دیگری بالای یکی از پل‌های بزرگراه جلال آل احمد نصب شد. تراکت‌های تهران در میدان هفت تیر، میدان ولی عصر، پارک دانشجو، میدان انقلاب، ستارخان، مجتمع تجاری میلاد نور، ستارخان، گیشا، حکیمیه تهرانپارس، شهرک امید در شرق تهران و در کرج: در منطقه پل آزادگان و سه راه گوهردشت به اشکال مختلف پخش شد: تعدادی از تراکتها به دست مردم داده شد، تعدادی در خانه‌ها و کوچه‌ها انداخته شد، و تعدادی دیگر از بالای ساختمانها و یا پلهای هوایی عابر پیاده و یا در خیابانها بین جمعیت پخش شد. برخی از شعارهایی که روی طومارها نصب شده بودند ویا به صورت تراکت پخش شدند:

- هشت مارس روز جهانی زن گرمی باد
- لغو حجاب اجباری: خواست مسلم زنان
- مردم از فقر و گرانی به تنگ آمده اند
- زندانی سیاسی آزاد باید گردد
- گلزار خاوران ماندگار در تاریخ ایران و جهان
- آزادی بیان، عقیده، اندیشه، رسانه، تشکل،
- تجمع، تظاهرات و... آزادی زنان، آزادی جامعه
- کارخانگی زنان در خانواده بیگاری آشکار است
- نابودی محیط زیست، آلودگی آب، زمین و هوا از سیاست‌های سلطه طلبانه، سودجویانه و

تخریبی سرمایه داری است

- جهان دیگری ممکن است: به دور از سلطه و سرمایه...
- خانواده مردسالاری از عوامل تحکیم فرودستی زنان است
- خشونت جسمی و روانی علیه زنان در همه عرصه‌ها ممنوع
- لغو هرگونه شرایط نابرابر کار زنان، لغو قراردادهای موقت، لغو نابرابری دستمزد برای کار برابر
- اعدام، سنگسار، شکنجه، قصاص و... محکوم است
- محو نظام سلطه و سرمایه ی جهانی
- محو هرگونه تبعیض اعم از جنسیتی، طبقاتی، حقوقی، مذهبی، نژادی، قومی و...
- گسترش صنایع نظامی به ویژه صنایع هسته ای یعنی نابودی انسان و محیط زیست و..
- آبا میدانید به جای صرف بودجه های کلان برای جنگ و کشتار می توان میلیونها امکان شغل سالم ایجاد کرد
- ورزش عاری از بار جنسیتی: خواست زنان
- ورزش آزادانه در همه رشته‌ها حق مسلم زنان است

### در اروپا، آسیا و آفریقا

هلگا شووایتزر، از رهبران سندیکای بزرگ و پر قدرت فلزکاران آلمان (IG Metall) خطاب به جمعیتی که در امین در شمال غربی آلمان گرد آمده بودند گفت: "در موقع بحران، میزان اشتغال کاهش می‌یابد و غالباً زنان اولین کسانی هستند که شغل‌شان را از دست می‌دهند. زنان ناپیست قربانیان و بازنده‌های بحران باشند." او همچنین بر این واقعیت تأکید کرد که هنوز هم دستمزد زنان به طور میانگین ۲۳ درصد کمتر از مردان است. در بنگلور هندوستان، فعالان حقوق زنان در پارک‌ها و اماکن عمومی گرد هم آمدند تا بر ضد موج حمله‌های خشونت‌بار علیه زنان از سوی افراط‌گرایان مذهبی تحت نام "پلیس امنیت اخلاقی" اعتراض کنند. و در آفریقا، زنان توجه جهانیان را به وضعیت وخیم زنان در مناطق جنگی و جنگ‌زده جلب کردند. در کینشازا (جمهوری دموکراتیک کنگو) حدود ۱۰ هزار زن به خیابان‌ها آمدند و در اعتراض به اعمال خشونت گسترده و وحشیانه علیه زنان و کودکان - که از آنها به عنوان سلاح در جنگ‌ها استفاده می‌شود - دست به راهپیمایی زدند. ماری‌انگه موفاونکولو، وزیر خانواده، گفت: "خواست‌های زنان کنگو روشن است: مهار ایدز، و پایان دادن به تجاوز به عنف، و نقض حقوق بشر علیه زنان و کودکان." یکی از کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد هفته پیش هشدار داد که از آنجا که دولت‌های اسلام‌گرا تعهدات‌شان را برای پایان دادن به نابرابری زنان و خشونت علیه آنان اجرا نمی‌کنند، اینک زنان مسلمان در سراسر جهان با "بحرانی فزاینده" روبه‌رو هستند. یاکین ایتورک، از پژوهشگران سازمان ملل متحد درباره مسئله خشونت علیه زنان، در گزارشی که در یک کنفرانس در مالزی ارائه داد، گفت که زنان باید به دولت‌های مربوطه فشار آورند تا به تعهدات‌شان در مورد تأمین امنیت زنان و حقوق برابر برای آنها عمل کنند. در استان کندوز در شمال افغانستان، در روز یکشنبه ۸ مارس خیر تشکیل یک انجمن حرفه‌ای توسط زنان و برای زنان به منظور تقویت و توسعه اقتصاد اعلام شد. نادره جویا، یکی از مقامات وزارت امور زنان توضیح داد که هدف این انجمن "ارتقای نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی به منظور افزایش درآمد آنان است." در بوگوتا، دفتر کمیسیون عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در کلمبیا خواستار تحقیق در مورد جنایت‌های خشونت‌آمیز جنسی علیه زنان و مجازات مرتکبین این جنایات شد. او اضافه کرد که در بیشتر موارد "مرتکبین از اعضای گروه‌های مسلح گوناگون هستند." بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، اظهار داشت که از هر پنج زن در سراسر جهان، یکی قربانی تجاوز جنسی یا اقدام به تجاوز بوده است و در برخی از کشورها، یک سوم زنان کتک خورده‌اند یا در معرض نوعی خشونت قرار داشته‌اند. در کوبا، پرزیدنت راتول کاسترو کمرنگ بودن نمایندگی زنان کوبایی در حیات سیاسی کشور را در سطح "تصمیم‌گیری" - آن طور که باید باشد - مایه "شرمندگی" خواند. و در کاراکاس، پرزیدنت هوگو چاوز اعلام کرد که اختیارات وزارت امور زنان را به سطح بالاتری ترفیح خواهد داد تا نقش قاطع‌تری در انقلاب سوسیالیستی کشور بازی کند. آقای چاوز اعلام کرد که نام این نهاد جدید "وزارت قدرت مردمی برای برابری زنان و جنسیتی" خواهد بود.

### جشن ۸ مارس در لندن

در لندن به دعوت کمیته هماهنگی احزاب کمونیست در بریتانیا جشن روز جهانی زن

ادامه در صفحه ۱۰

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**

## ادامه مقابله با یورش جنبش ...

جنبش دانشجویی ارزیابی کرده و در بیانیه خود به افشای آن پرداختند. خبرنامه امیر کبیر ۵ اسفند ماه در این باره نوشت: "روزهایی را سپری می کنیم که فاصله دانشگاهیان و حاکمیت بیشتر از هر زمان دیگری برهمگان فاش گشته... دانشجویان پلی تکنیک تهران بارها مخالفت خود را با پروژه دفن شهدا در دانشگاه اعلام نموده اند و اهداف حکومت از این اقدام را محکوم کرده اند." دانشجویان سپس هدف های این طرح را چنین برشمرده اند: ۱- ایجاد فضای قبرستانی در دانشگاه ها و جلوگیری از وجود هر گونه تفکر مخالف با تفکر حاکم بر دانشگاه ها، ۲- ایجاد پایگاه جدیدی برای نیروهای خودسر حکومت و صدور مجوز ورود آن ها به دانشگاه، ۳- تحریک احساسات مذهبی و میهن پرستی دانشجویان و سوءاستفاده از این احساسات، ۴- پررنگ کردن حضور مداحان حکومتی که سردمداران چماق به دستان جریان حاکم هستند در دانشگاه، و ۵- سرکوب دانشجویان و ایجاد فضای خفقان در دانشگاه و از بین بردن اندک آزادی های موجود در دانشگاه ها با سوء استفاده از نام شهید... این پروژه (دفن شهدا در دانشگاه) که به پشتیبانی نیروهای امنیتی و تئوریسین های افراطی جناح اقتدار گرا در پلی تکنیک... است تا به حال قربانیان زیادی گرفته (منظور مجروح شدن و دستگیری دانشجویان) است. طرح دفن شهدای گمنام در دانشگاه ها بخشی از برنامه سراسری یورش به جنبش دانشجویی کشور است که به خوبی در پیام علی خامنه ای که صراحتاً از این طرح حمایت کرده، دیده می شود. علاوه بر ضرب و شتم و دستگیری ده ها دانشجو در پلی تکنیک، فعالین بسیاری در روزهای اخیر توسط ماموران اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات در تبریز، مشهد، شیراز، ساری، اهواز، سنج، اصفهان و تهران دستگیر شده اند، اغلب این افراد دانشجویان چپ دانشگاه هستند. پایگاه خبری دانشجویان آزادی خواه و برابر طلب در این زمینه اعلام داشت: "دستگیری های اخیر به فاصله ی چند ماه مانده به انتخابات نشان می دهد که رژیم سعی در ساکت کردن هر گونه اعتراضی دارد... اولین وظیفه هر آزادی خواهی آن است که بیش از هر چیز آزادی دوستان در بندش را فریاد کند. از شما دانشجویان می خواهیم جای خالی رفقای خود را در کلاس های درس احساس کنید و این احساس را با دستان به هم گره خورده ی خود به اتحاد و همبستگی برای آزادی دانشجویان دربند تبدیل کنید..."



Aut News

طرح "دفن شهدا در دانشگاه" و شکار شبانه دانشجویان مبارز، شناسایی مخالفان در دانشگاه ها، احضارها به کمیته انضباطی و جز اینها همگی نشانگر برنامه حساب شده ارتجاع حاکم برای به زانو در آوردن جنبش دانشجویی و مهار آن در آستانه انتخابات ریاست جمهوری است. در برابر این برنامه، مهمترین وظیفه جنبش دانشجویی حفظ وحدت، ارتقاء سطح همبستگی و هوشیاری در برابر ترغیب ارگان های امنیتی با هدف تقویت نقش و تاثیر جنبش دانشجویی در مجموعه جنبش مردمی میهن ما است. نباید گذاشت ارتجاع حاکم مبارزه پر شور و دلیرانه دانشجویان را سرکوب و توان تاثیر گذاری آن را محدود و کم رنگ نماید. پشتیبانی از جنبش دانشجویی و خواست های به حق آن وظیفه عاجل همه احزاب، سازمان ها و نیروهای مترقی، ملی و آزادیخواه است. برای مخالفت با طرح دفن شهدا در دانشگاه ها و آزادی دانشجویان دربند همه امکانات خود را به کار گیریم!

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## بدرود "عمو" هنریار



روز جمعه، ۱۶ اسفند ماه، رفیق محمد جعفر هنریار پس از تحمل چند سال بیماری، در بیمارستانی در شهر کلن آلمان بدرود حیات گفت. رفیق هنریار، که رفقای جوان او را عمو هنریار خطاب می کردند، در ۱۳۰۳ در قزوین متولد شد، چندی از بنیانگذاری حزب توده ایران نمی گذشت که در زادگاه خود قزوین به چهره بی پر شور و شاخص در فعالیت سازمان جوانان حزب مبدل شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه به تهران آمد و وارد دانشکده افسری شد. پس از طی دوره سواره نظام، برای طی یک دوره خلبانی به انگلستان اعزام شد. رفیق در دانشکده افسری جذب سازمان نظامی حزب شد و در ۱۳۳۰ دستگیر شد. رفیق هنریار در دادگاه نظامی همراه با دلاور جان باخته توده ای سروان مرزبان به اعدام محکوم شد. بر اثر اعتراضات وسیع مردمی که در مطبوعات آن روز ایران انعکاس گسترده ای یافت حکم اعدام رفقا شکسته شد. رفیق هنریار به جزیره خارک تبعید شد و در سال ۱۳۳۳ پس از کشف سازمان نظامی حزب، مجدداً دادگاهی شد و به حبس ابد محکوم گردید. رفیق هنریار پس از انقلاب فعالانه در حزب حضور یافت و پس از یورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب از کشور خارج شد. رفیق هنریار در کنگره سوم حزب توده ایران در سال ۱۳۷۰ به عضویت مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شد. رفیق هنریار در سال های مهاجرت فعالانه در زندگی سیاسی و اجتماعی مهاجران شرکت داشت و خانه وی به روی جوانان و دوستداران حزب همواره گشوده بود. در طی این سال ها رفیق هنریار به نمادی از پابندی به آرمان های حزب مبدل شد و در جذب جوانان و مهاجران ایرانی به حزب و توضیح مواضع حزب نقش موثری ایفا کرد. او در تمامی گردهمائی ها و سخنرانی ها و مراسم مهاجران ایرانی حضور می یافت. رفیق هنریار نزد حتی هموطنانی که گرایش خاص سیاسی نداشتند از محبوبیت برخوردار بود. حزب توده ایران در گذشت رفیق محمد جعفر هنریار را به خانواده وی و همچنین به همه هواداران و اعضای حزب تسلیت می گوید.

یادش زنده و گرمی باد  
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۹ اسفند ماه



### آزادی برای همه دانشجویان در بند!

کارگران فعال این مجتمع در نوبت دادگاه دوم می باشند، دادگاه اول کارگران را به نام و اتهام تبلیغ علیه نظام محکوم شناخته و این زحمتکشان در وضعیتی ناگوار قرار دارند.

### برای توقف سرکوب، اختناق و سانسور

گسترش اقدامات ارگان های امنیتی رژیم ولایت فقیه، که با ایجاد جو رعب و وحشت و دستگیری مبارزان جنبش کارگری، فعالان شجاع جنبش زنان و بازداشت و شکنجه ده ها دانشجوی قهرمان و حق طلب وارد دور تازه ای شده است، با مخالفت های روز افزون جامعه مواجه گردیده، از جمله کانون نویسندگان ایران در بیانه ای به تاریخ ۵ اسفند ماه سرکوب های رو به افزایش را مورد انتقاد قرار داده و محکوم کرده است. در بخشی از بیانه کانون نویسندگان آمده است: "هجوم و سرکوب در مقابل خواسته ها و اعتراض های به حق قشرهای مختلف مردم برای قدرت مداران به روشی همیشگی تبدیل شده است. در چندین ماه اخیر، با بحرانی تر شدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور و در سطح جهان، بار دیگر موج جدیدی از سانسور و ممنوعیت، احضار، دستگیری، بازداشت و صدور احکام سنگین و اجرای روز افزون احکام اعدام برای مقابله با پیامدهای بحران هردم فزاینده به راه افتاده است."

سپس، کانون نویسندگان با اشاره به تخریب خاوران تاکید می کند: "طراحان و آمران و عاملان قتل عام دهه ۶۰ سعی دارند با تخریب و تغییر وضعیت این گورستان، ردپای خود را در کشتار نسلی از زندانیان سیاسی و عقیدتی پاک کنند و پرونده ی جنایت خود را به محاق فراموشی بسپارند."

در ادامه راجع به سانسور و بازداشت های گسترده تصریح شده: "سانسور کتاب ها، لغو امتیاز نشریات، فیلتر کردن سایت های اینترنتی و تهدید کاربران سایت ها در ماه های اخیر شدت یافته است... از سوی دیگر بر میزان احضارها و بازداشت ها افزوده شده است. در چند ماه اخیر تنی چند از اعضای کانون نویسندگان ایران محمود دولت آبادی، فرزانه آقایی پور، مجید امین موید، ناصر زرافشان، فرخنده حاجی زاده و حسن صانعی توسط نیروهای امنیتی بارها احضار شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. و هنوز زمان زیادی از صدور حکم سنگین زندان برای یوسف عزیزی بنی طرف نگذشته بود که محسن حکیمی یکی دیگر از اعضای کانون... پس از تحمل ۲ ماه زندان با وثیقه سنگین آزاد شد. در پایان بیانه، کانون نویسندگان ایران با اشاره به حقوق بدیهی روشنفکران و نویسندگان یادآوری می شود: "کانون نویسندگان ایران، بنا بر اصل اول منشور خود، مدافع آزادی اندیشه و بیان برای همگان بی هیچ حصر و استثنا است. آزادی بیان تنها آزادی ابراز عقیده از راه گفتار و نوشتار نیست، بلکه هر شیوه ای که بیان گر احساس و عقیده افراد باشد در مقوله آزادی بیان می گنجد. از این رو، کانون نویسندگان ایران تمامی موارد بالا (اختناق-سانسور و دستگیری ها) را از مصداق های سرکوب آشکار آزادی اندیشه و بیان از سوی حاکمیت می داند و آن را محکوم می کند."

### افزایش بیکاری در میان زنان تحصیل کرده



### اعتراض کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه

پس از آنکه مسئولان حکومتی در اثر اعتراضات گسترده کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه مجبور شدند مدیریت این واحد عظیم تولیدی-کشاورزی را تغییر دهند و مدیریت جدید قول پرداخت به موقع حقوق و مزایای کارگران را داده بود، اینک با گذشت مدت زمان معینی، کماکان دستمزد زحمتکشان شاغل در این واحد راهبردی با تاخیر ۲ تا ۳ ماهه پرداخت می شود و مدیریت مجتمع و اداره کل کار استان خوزستان حاضر به پاسخگویی به کارگران نیستند.

خبرگزاری ایلنا ۳۰ بهمن ماه در گزارشی نوشت: "با وجود تغییر مدیریت کارخانه نیشکر هفت تپه، کارگران این کارخانه همچنان از نحوه پرداخت حقوق خود ناراضی به نظر می رسند، سخنگوی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با اعلام این مطلب گفت، مطالبات بیش از هزاران کارگر این کارخانه همچنان با تاخیر دو ماهه پرداخت می شود و به عنوان مثال تا این لحظه ( ۳۰ بهمن ماه ۸۷) هنوز حقوق دی ماه کارگران پرداخت نشده است، به دلایلی چون خشکسالی، فرسودگی ماشین آلات، بازنشسته شدن زود هنگام کارگران متخصص، ظرفیت تولید کارخانه از ۱۱۱-۱۱۵ هزار تن شکر در سال گذشته به نهایت ۱۵ تا ۱۶ هزار تن شکر کاهش یافته است." این وضعیت در کنار عواملی که سخنگوی سندیکای کارگران هفت تپه به آن اشاره نمود، به واردات بی رویه شکر به کشور توسط تجار عمده و چند دلال مرتبط با دستگاه حکومتی نیز ارتباط دارد. در واقع بخش قابل توجهی از مشکلات کارگران این مجتمع تولیدی-کشاورزی بزرگ، به سیاست های دولت ضد مردمی احمدی نژاد ربط پیدا می کند. برنامه واردات سیل آسا که این دولت در چند سال اخیر دنبال کرده، بیشترین صدمه را به طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان وارد آورده و سبب تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی بزرگ و کوچک کشور شده است. کارگران نیشکر هفت تپه

## ادامه نگاهی به رویدادهای ...

تحصیلی و تخصص خود پیدا کنند. بسیاری از دختران فارغ التحصیل رشته های مهندسی پس از اتمام دوران تحصیل خود جذب بخش صنعت نمی شوند. در کل کشور آمار زنان شاغل درصنعت ۲۴ درصد است که به نوبه خود نمایانگر بیکاری هزاران زن فارغ التحصیل رشته های مهندسی کشور است. بیکاری روبه افزایش زنان دارای تحصیلات عالی پدیده ای فوق العاده ناگوار برای مجموعه اقتصاد ملی ایران است و زیان های جبران ناپذیر به مسیر رشد و شکوفایی میهن ما وارد می سازد!

## انگیزه خود سوزی های اخیر

در چند هفته گذشته در برابر نگاه ناباورانه بسیاری از رسانه های همگانی داخل کشور، افرادی در مقابل مجلس شورای اسلامی و دانشگاه تهران و بنیاد شهید انقلاب اسلامی دست به خودسوزی زده و به این ترتیب فریاد اعتراضی خود را به پر تظاهرترین شکل ممکن بیان داشتند.

حادثه دردناک و تلخ خود سوزی سه انسان جان به لب رسیده و بی پناه گویای واقعیت زندگی در ایران امروز و زیر سیطره مشتی تاریک اندیش ثروت اندوز است. مسئولان ریز و درشت رژیم ولایت فقیه در برابر این خودسوزی ها واکنش معنا داری بروز دادند. علی لاریجانی و علاءالدین بروجردی به ترتیب رییس مجلس و رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، خودسوزی یکی از مجروحان جنگ (جانباز) را بکلی منکر شده و آن را به افراد معتاد نسبت دادند. خبرگزاری آفتاب ۲۷ بهمن ماه در این باره از قول این دو مسئول بلند پایه مجلس نوشت: "علی لاریجانی گفت، فردی که روز شنبه مقابل مجلس خودسوزی کرد، معتاد بوده است. همچنین علاءالدین بروجردی رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با حساس خواندن این خبر (خودسوزی مقابل مجلس) از رسانه ها خواست که چنین اخباری را در این موقعیت مهم یعنی سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بدون استفسار و دریافت خبر صحیح منتشر نکنند و باعث نگرانی افکار عمومی نشوند."

علاوه بر این پاسدار کوثری از فرماندهان سپاه در دفاع از علی لاریجانی به خبرگزاری مهر اعلام داشت فرد مزبور تعادل روانی نداشت و تاکید نمود: "رسانه هایی که فرد یادشده را جانباز معرفی کردند موجبات سوء استفاده سیاسی بیگانگان را از ماجرا فراهم کردند."

برخلاف چنین مدعیاتی، خودسوزی سه انسان آن هم زیر فشار سنگین زندگی، ماهیت عملکرد رژیم ولایت فقیه را حتی در میان بخشی از هم میهنان ما که سلامت و زندگی خود را در جنگ هشت ساله بویژه مرحله دوم آن از دست داده اند، نشان می دهد. جمهوری اسلامی همیشه در تبلیغات، خود را جای این گروه اجتماعی معرفی ساخته و کوشیده از آنها استفاده های گوناگونی به عمل آورد. اما خودسوزی های اخیر که ناشی از فقر، بیکاری و بی پناهی است، ثابت می کند حتی این گروه ها نیز از نتایج ضد مردمی سیاست های اقتصادی-اجتماعی رژیم به شدت آسیب دیده و متضرر شده اند. هنگامیکه لاریجانی و دیگر مسئولان حکومتی با دروغ پردازی انگیزه این خودسوزی ها را به اعتیاد و عدم تعادل روانی نسبت می دادند. کارشناسان مستقل کشور انگیزه این خودسوزی ها را نه اعتیاد و مشکل روانی که مسایل اقتصادی و اجتماعی بیان کردند. یکی از این کارشناسان به درستی خاطر نشان ساخت: "پیام این نوع خودکشی بسیار فراتر از خودکشی است. کسی که خودسوزی می کند می خواهد بگوید من می میرم اما دیگران را دریابید، معمولاً آدم ها به خاطر عزت نفس مدت ها فقر را پنهان و آن را اداره می کنند. عزت نفس سرمایه ای است که انسان را وادار می کند در دراز مدت فشار فقر را تحمل کند اما وقتی فشار به حدی رسید که همه مرزها پیموده شده، فرد عملاً به بن بست می رسد، ناتوانی در برآورده سازی مطالبات دیگرانی که چشمشان به درآمد و فعالیت شخص است و سوزش درونی ناشی از فقر و بیکاری، انگیزه ای می شود برای خودسوزی."

آری، فقر و بیکاری و بی عدالتی دردناکی که کارد را به استخوان می رساند انگیز چنین رفتاری است!

در حالیکه درصد قابل توجهی از دانشجویان کشور را زنان و دختران تشکیل می دهند و هر ساله هزاران زن جوان با پایان تحصیلات عالی در رشته های مختلف روانه بازار کار می گردند. آمارها نشانگر افزایش شتابان نرخ بیکاری در میان زنان دارای تحصیلات عالی است.

در یکی از آخرین آمارهای منتشره از سوی منابع رسمی جمهوری اسلامی نرخ بیکاری در میان زنان دو برابر مردان اعلام شده که درصد بزرگی از زنان بیکار را فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی تشکیل می دهند. در حال حاضر نسبت بیکاری در میان پزشکان، مهندسان، طراحان، متخصصان و کارشناسان زن رشته های مختلف بیش از همکاران مرد آنان است و در برخی رشته ها نیز با وجود آنکه فارغ التحصیلان زن از اکثریت برخوردارند، بیکاری در میان آنها بیشتر از مردان می باشد خبرگزاری ایلنا ۸ بهمن ماه در گزارشی با عنوان: "تعداد زنان فارغ التحصیل بیکار افزایش یافته است." با اشاره به مشکلات زنان متخصص در یافتن شغل مناسب، یادآور می گردد: "رشد و پیشرفت کشورها به میزان زیادی به نیروی انسانی متخصص آن اعم از مرد و زن بستگی دارد. صنعت، تکنولوژی، دانش، فن آوری در پیوند با نیروی انسانی تحصیل کرده اهمیت می یابد، با توجه به اینکه نیمی از جمعیت پویا و فعال جامعه را زنان تشکیل می دهند، مدیران و مسئولان وظیفه برنامه ریزی مناسب را برای زنان دارا هستند. با وجود تعداد قابل توجه فارغ التحصیلان زن و نیاز مبرم جامعه به آنان، هنوز برنامه ریزی صحیح صورت نگرفته و شاهد افزایش تعداد زنان فارغ التحصیل بیکار هستیم و این در حالی است که زنان توانسته اند در عرصه های علمی، فرهنگی و هنری حضور درخشان داشته باشند." دریک گزارش از درصد بیکاری در میان زنان تحصیل کرده و دارای مدارج علمی و تخصصی، پایگاه اینترنتی کانون زنان ۲۴ دی ماه اعلام داشت: "عضو هیات مدیره جمعیت مامایی به عضویت ۲۰ هزار متخصص مامایی در سازمان نظام پزشکی کشور اشاره کرد و افزود. در حال حاضر بیش از ۵۰ هزار ماما در کشور داریم که اگر درست به کار گرفته شوند، دیگر مشکلی برای بهداشت خانم ها نخواهیم داشت."

در ادامه گزارش آمده: "با وجود فارغ التحصیلان بالای رشته مامایی بازار کار برای این قشر از جامعه پزشکی آن طور که باید رونق ندارد و در نتیجه با آمار بالای ماماها بیکار مواجه هستیم. تا سال ۸۴-۸۵ حدود ۴۵ هزار نفر در رشته مامایی از دانشگاه های ایران فارغ التحصیل شده اند و سالانه حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نفر به این تعداد افزوده می شود."

این عضو هیات مدیره جمعیت متخصصین مامایی ایران با صراحت تاکید می کند در حال حاضر بیش از ۲۰ هزار مامای لیسانس و فوق لیسانس بیکار در کشور وجود دارد که وزارت بهداشت حاضر به پاسخ به درخواست های آنان نیست. در آماري که از سوی رسانه های همگانی انتشار یافته است، آمار واقعی بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی ۵۰ درصد برآورد شده، مطابق این آمار ۵۰ درصد دختران فارغ التحصیل دانشگاه ها بیکار هستند در حالی که در چند سال اخیر نرخ حضور دختران در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به ۶۲ درصد رسیده است، ۵۰ درصد فارغ التحصیلان زن نمی توانند شغل مناسب با رشته

## ادامه نگاهی به برنامه انکار و ...

گرمگان رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب که با یاری و مساعدت سرویس های امنیتی کشورهای امپریالیستی و وابسته به امپریالیسم چون پاکستان و ترکیه صورت گرفت، بار دیگر هوشیاری و عزم جزم همه توده ای ها در دفاع از حقانیت راه و آرمان و تاریخ حزب توده ایران را به نمایش گذاشت. در کنار این حمایت های گسترده، حملات تبلیغاتی از سوی محافل معدودی که در تمامی این سال ها نقش مهمی را در سازمان دهی کارزار تبلیغاتی بر ضد حزب توده ایران بر عهده داشته اند جای تعجب ندارد، اما خشم این محافل از موضوعات مهمی که در این سند مطرح شده است و تلاش برای سرهم بندی کردن جوابی به منطق مطرح شده در سند پرده از نیات و قصد این محافل بر می دارد و مسایل دیگری را طرح می کند که پاسخ کوتاهی به آنها لازم است.

یکی از ترفندهای اخیر مخالفان سیاست حزب ما در قبال سند پلنوم وسیع در باره وحدت و دشواری هایی که ما با آن روبرو بوده ایم، این ادعا است که گویا سند "درباره وحدت..." حاوی اتهامات پرش برانگیز بسیاری است. به عنوان نمونه نشریه ضد حزبی "راه توده" در شماره ۲۰۸، دوشنبه ۲۱ دی ماه ۸۷ در مطلبی با نام، "قطع نامه اجلاس شورای سردبیری راه توده" درخصوص اسناد پلنوم وسیع و خصوصا سند "درباره وحدت و دشواری های..." می نویسد: "سکوتی که پیرامون قطعنامه اخیر نامه مردم (توجه کنید حزب نه، نامه مردم) در میان طیف توده ای های خارج از کشور وجود دارد و به ویژه در باره اتهامات مستقیم و غیر مستقیمی که به توده ای های زندانی جان سالم بدر برده وارد شده هرچند که بازتاب شرایط خارج از کشور است، اما به هیچوجه به معنای موافقت اکثریت قریب به اتفاق توده ای ها با اینگونه اتهامات سخیف نیست. ما یقین داریم که این سکوت بزودی و پیش از هر جا در داخل ایران خواهد شکست."

تلاش سردمدار نشریه ضد توده ای "راه توده" تنزل سند مصوب پلنوم (وسیع) حزب و محتوی تاریخی آن به "مشتی اتهامات سخیف مستقیم و غیر مستقیم به توده ای های زندانی جان سالم بدر برده" است و جا انداختن این نظر که میان این سند و دیدگاه رسمی حزب با اسناد و مواضع قبلی تفاوت های فاحشی وجود دارد. این تلاش برای متضاد دانستن تزه های سند مهم پلنوم (وسیع) حزب با دیگر مواضع حزب در سال های اخیر از سوی محافل ضد توده ای دیگر نیز دنبال شده است. به عنوان نمونه چند نفر از طرد شدگان از صفوف حزب، که پایگاه اینترنتی "مهر" را اداره می کنند، در مطلبی با عنوان "در باره وحدت یا برضد وحدت؟" نوشته اند: "لبه تیز اتهامات مندرج در سند در باره وحدت... متوجه رفقای معینی از رهبری سابق حزب است که پس از تحمل سال ها شکنجه، از دست جلادان جان به در بردند و رژیم به هر دلیل نتوانست یا به صلاح خود ندید که آن ها را به جوخه اعدام بسپارد. سند بدون این که نامی از این رفقا ببرد، با دادن آدرس های مشخص، هویت آن ها را روشن می کند و موجی از اتهامات را نثار آنان می سازد." در ادامه این مطلب و با هدف رد سند و اثبات این ادعا که سند چیزی نیست جز ادعاها و اتهامات پرش برانگیز برضد عده ای معین و در عین حال مغایر با سیاست ها و موضعگیری های قبلی حزب، به مصاحبه رفیق خاوری با نامه مردم به تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۷۲ اشاره می گردد. اما نویسندگان و افراد

مذکور تمدا آن بخش مصاحبه را که به مساله اعترافات و برخورد با وضعیت توده ای های در بند مربوط می شود، گزینشی نقل کرده و بخشی از آن را حذف کرده اند. رفیق خاوری در این مصاحبه پس از تاکید بر اعمال شکنجه و اعترافات که با "کابل، داغ و درفش و همه گونه ابزار شکنجه روحی و جسمی به دست آمده" با روشنی موضع رسمی حزب توده ایران را چنین اعلام می دارد: "البته، ما مدعی نبوده و نیستیم که در این آزمون سخت، جمع یک پارچه ای از قهرمانان را به تاریخ عرضه داشتیم. در کنار کسانی، که بهر تقدیر، تاب ضربات شلاق و کابل های سیمی... را نیاوردند، بودند کسانی و کم هم نبودند، که این آرزوی بلید دژخیمان را ناکام کردند و هم آنانند که بر تارک افتخار آمیز حزب توده ای ما می درخشند و گواه جاودانی بر این حقیقتند که امر خلق، انسان دوستی و عدالت خواهی برای حزب توده ایران امری گذرا و حسابگرانه نبوده و نیست." (متن مصاحبه رفیق خاوری، نامه مردم، شماره ۴۰۵-درسال هشتم، تیرماه ۱۳۷۲)

سانسور این سخنان برای اثبات یک ادعای دروغین از سوی این افراد میزان پایبندی آنها را به فرهنگ سیاسی و حفظ امانت در بازگویی اسناد حزب نشان می دهد. سند پلنوم (وسیع) حزب ما نه تنها تمامی زندانیان سیاسی آزاد شده را متهم نکرده است بلکه با دقت و توجه خاصی تنها به توطئه های رژیم برای استفاده از تعداد بسیار معدودی از رهبران سابق حزب به منظور حزب سازی و مقابله با سیاست های حزب توده ایران اشاره می کند.

بحث مسایل مطروحه در سند پلنوم، صحبت و موضع گیری امروز حزب نیست که کسانی خود را بر آشفته نشان می دهند و طرح آن را بی حرمتی به افتخارات گذشته حزب می شمارند، بلکه موضعی است که حزب ما در طول سال های دشوار کنونی، و به رغم همه فشارهای مخالفان حزب دنبال کرده و می کند.

بخش دیگری از تلاش های مخالفان حزب متوجه ایجاد سردرگمی در زمینه های برنامه های حساب شده رژیم در جریان کشتار وحشیانه هزاران زندانی سیاسی، در جریان فاجعه ملی، از جمله کشتار صدها تن از رهبران، کادرها، اعضاء و هواداران حزب ما بوده است. به عنوان نمونه نشریه ضد توده ای "راه توده"، به توصیه صریح نویسنده مقاله "برای پیش برد انقلاب مبارزه کنیم" به قلم اک می نویسد: "روش به کار گرفته در اعدام زندانیان که بیشتر به یک "قرعه کشی" مرگ شبیه بود، اساسا نشان می دهد که برای ارتجاع مسئله این نبود که چه کسی کمتر مبارز است، یا چه کسی بیشتر مخالف رژیم است و چه کسی نیست! ارتجاع نمی توانست وقت خود را برای اینگونه مسایل تلف کند. مسئله اساسی عبارت بود از کم کردن تعداد زندانیان، عبارت بود از گرفتن هر چه بیشتر قربانی در کمترین زمان ممکن و اما برای ارتجاع حجتیه شریک دیگر این جنایت هولناک، مسئله تنها در یک انتقام جوئی تاریخی و محروم کردن توده ها از رهبران و همراهان انقلابی خلاصه نمی شد، بلکه در عین حال نکته اساسی عبارت بود از دائمی کردن تفرقه در میان نیروهای انقلابی درون و بیرون حاکمیت جمهوری اسلامی."

تلاش ها و توصیه های جنایتکاران و مزدوران رژیم را، که این فاجعه عظیم را به میهن ما تحمیل کردند، می توان در القاء این نظر گمراه کننده، از طریق نشریه "راه توده" دید که در این ضیافت خون به چون و چرای آن فکر نکنید، رژیم خون می خواسته است و خون ریخته است، حال برایش چه فرق می کند، رژیم عجله داشته است و وقت برای تشخیص میزان مخالفت قربانیان نداشته است. تمامی گزارش های مستند موجود، از زندان ها و از جمله محاکمات چند دقیقه ای گروه سه نفری مرگ رژیم، که حتی در خاطرات آیت الله منتظری نیز به آنها اشاره شده است، بر روندی سازمان یافته برای پاک کردن زندان ها از زندانیان "سر موضع" حکایت می کند و نه "قرعه کشی مرگ".

به زعم مخالفان و طرد شدگان از صفوف حزب اگر کسانی استدلال بی پایه و در عین حال اهانت آمیز حضرات در زمینه "قرعه کشی مرگ" را نسبت به فهم و شعور خود نپذیرند و در آن شک کنند، به او بر چسب اهانت به تاریخ و افتخارات حزب زده می شود. نه آقایان! توده ای ها افتخارات حزب خود را به خوبی می شناسند، سند پلنوم ارزیابی جدیدی از این واقعیت دردناک را ارائه نداده است و کسانی آن را پیراهن عثمان کرده اند و با تحریک احساسات رفقای توده ای سعی در منحرف ساختن ذهن آنان از پرداختن به محتوای مرکزی سند دارند.

نکته محوری سند مصوب پلنوم وسیع "در باره وحدت و دشواری های..." افشای تلاش بی وقفه رژیم و ارگان های امنیتی آن برای محو و نابودی حزب به طرق و اشکال

## ادامه نگاهی به برنامه انکار و ...

گونگون است. در سند به روشنی اشاره می شود: "پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن هشدار باش نسبت به توطئه های گونگون ارگان های امنیتی رژیم که وحدت و یکپارچگی حزب توده ایران، و اتحاد عمل و نزدیکی نیروهای ملی و آزادیخواه میهن را هدف قرار داده است از همه رفقای توده ای در داخل و خارج از کشور می خواهد که با هوشیاری و دقت به مقابله با برنامه های ارتجاع حاکم بپردازند. حزب ما امروز بیش از هر زمان دیگری به تقویت صفوف خود و تلاش واحد توده ای ها برای گسترش مبارزه برضد رژیم ولایت فقیه نیازمند است..."

چه اشخاص و محافلی منافع خود را در تقابل با این خواست روشن مندرج در سند می بینند، و حساب شده می کوشند، محتوی دقیق سند فوق را تحریف کرده و به سطح اتهامات سوال برانگیز تقلیل دهند؟

بعلاوه در سند مصوب پلنوم وسیع به صراحت یادآوری شده: "در کنار این پدیده ها ما در سال گذشته با فراخوان های گونگونی برای "وحدت حزب" رو به رو بوده ایم. ویژگی این فراخوان ها نفی کامل وجود حزب توده ایران و کمیته مرکزی منتخب آن و جا انداختن این نظر است که پدیده ای به نام حزب توده ایران وجود خارجی ندارد و تنها "طیف های گونگون توده ای" با نظرات سیاسی مختلف حول نشریات و پایگاه های اینترنتی معینی وجود دارند و راه "وحدت حزب توده ایران" از طریق مذاکرات این گروه ها و طیف های رنگارنگ می گذرد. بدیهی است که پیام وحدتی که در آن عملا وجود حزب توده ایران و کمیته مرکزی منتخب کنگره های سوم، چهارم و پنجم حزب توده ایران، به کلی نفی شده است و تاریخ حزب توده ایران با یورش رژیم جنایتکار ولایت فقیه در بهمن ماه ۱۳۶۱، پایان یافته تلقی می شود، را نمی توان از سردسوزی و با هدف دستیابی به وحدت حزب ارزیابی کرد."

مخالفان و دشمنان حزب ما با پنهان شدن در زیر عبارت کلی و ساختگی "متمم ساختن رهبران گذشته حزب" و "نوشته های سخیف و نوشته های پلنومی" می کوشند چهره و نیت واقعی خود را همانگونه که سند "درباره وحدت و دشواری ها..." با دقت بیان داشته، یعنی نفی و انکار وجود حزب، پنهان دارند و به فعالیت های تخریبی ادامه دهند. در این زمینه مواضع نشریه ضد حزبی "راه توده" برضد حزب و عطش سیری ناپذیر خصومت رژیم نسبت به حزب همگرائی واضحی نشان می دهد.

رژیم که ضربه های سال های ۶۱ و ۶۲ و شوهای تلویزیونی و اعدام ها را برای نابودی کامل حزب کافی می دید در بهمن ماه ۱۳۷۰ با آنچه که انتظارش را نداشت روبرو شد. کنگره سوم حزب پس از ۴۳ سال وقفه صلاهی رزم حزب کارگران و زحمتکشان میهن را در فضای سرکوب، ارباب و خفقان حاکم طنین افکن ساخت. حال چرا در آن موقع این کنگره باب طبع نویسنده مقاله "برای پیش برد انقلاب مبارزه کنیم" نبوده است و یا نشریه ضد توده ای "راه توده" از آن به زشتی نام می برد جای سوال جدی است! آنجا که می نویسد: "آنها تصور کرده اند برای حزب توده ایران با برگزاری یک کنگره در خارج از کشور شناسنامه تازه ای صادر کرده اند می توانند نام مولود خود را هر اسمی دوست دارند بگذارند، اما قطعا

خون حزب در رگ های این مولود جاری نیست..." اولاً نام این "مولود" همان نام و شهرت غرور آمیز تاریخی آن است که در مهرماه ۱۳۲۰ در یکی از لحظات بحرانی تاریخ میهن ما سازمانی از توده ها برای توده ها را در سینه تاریخ به ثبت رسانید. استعمار و ارتجاع از آن تاریخ تاکنون بی وقفه در فکر و ذکر نابودی این "مولود" بوده اند. تنها سخت جانی این مولود و استواری پیوندش با توده های زحمت و کار توانست آن را در زیر رگبار ضربات مهیب طوفان های مهلک مرداد ۱۳۳۲ و یورش گزمگان رژیم "ولایت فقیه" حفظ کند و جان سالم بدر برد. اعلام آمادگی این "مولود" در کنگره سوم پس از ۴۳ سال از کنگره دوم آن برای ادامه مبارزه نمی توانست خواب خوش استعمار و ارتجاع را برای نابودی حزب به کابوس تبدیل نکند.

برگزاری کنگره سوم حزب بسیاری از برنامه های ارگان های امنیتی رژیم که نابودی کامل حزب را دنبال می کردند عقیم گذاشت و همین مقطع تاریخی را باید آغاز شکل نوینی از جنگ تبلیغاتی-روانی برضد حزب برای به تسلیم کشاندن و مسخ آن به شمار آورد. شدت حملات علیه حزب بالا گرفت و نویسنده مقاله "برای پیشبرد انقلاب مبارزه کنیم" از خانه تحت نظارت امنیتی-اطلاعاتی رژیم در باره کنگره سوم حزب همان نظر و خواستی را مطرح می سازد که از او می خواهند: "اگر عدم تشکیل کنگره حزب طی چندین دهه و برخلاف اساسنامه حزب به معنی نفی ضرورت کنگره است، از وضع کنونی هم می توان نتیجه گرفت که حزب می تواند محل بحث و اختلاف نظر میان اعضاء باشد. برای بن بست کنونی چاره ای بیندیشیم و برون رفت از آن را در کنار گذاشتن هویت سازماندهی انقلابی خود نجوئیم."

این ابهام سازی تعمدی برخوردار نسبت به کنگره سوم و حکم محکومیت حزب را که گویا "هویت سازماندهی انقلابی" خود را کنار گذاشته است می توان دغدغه دفاع از هویت حزب تلقی کرد؟ رژیم و مخالفان رنگارنگ حزب آن چنان شرایط دشواری را بر سر راه فعالیت و موجودیت حزب ایجاد کرده بودند که حزب نمی توانست به حیات خود ادامه دهد مگر آنکه با رای نمایندگان خود در کنگره رسمیت و مشروعیت و صلاحیت خود را برای تداوم به حیات حزب تأیید و تأکید کند. "راه توده" ادعا می کند که این نشست ها را کسانی با میل خود پر می کردند و خالی می کردند. از این "مدعی" باید پرسید که نشست های پلنوم ۱۸ و ۱۹ و کنفرانس ملی و همه نشست های پس از یورش به حزب که آقایان "از جمله مدعیان امروز" در آن حضور داشتند نشست هایی تاریخی محسوب می شد و کنگره سوم چون بدون حضور مدعیان از نوع "راه توده" برگزار گردید مولودی فرمایشی و نامشروع بوده است که خون حزب در رگ های آن جاری نیست.

حال ارتباط ارگانیک نفی کنگره سوم توسط نویسنده مقاله "برای پیشبرد انقلاب مبارزه کنیم" و "راه توده" با دیدگاه وزارت اطلاعات رژیم را پی می گیریم. در کتاب ۱۲۰۰ صفحه ای وزارت اطلاعات به پلنوم هجدهم، کنفرانس ملی و دیگر نشست های حزب اشاره شده، ولی تشکیل کنگره سوم و فعالیت حزب پس از این کنگره به بوته فراموشی سپرده شده است. به زعم آنان، حزب تا پیش از کنگره "کج دار و مریز" به فعالیت ادامه داد و با حمایت اردوگاه سوسیالیستی حیات خود را تداوم بخشید، ولی پس از آن "تابود" شد. این دقیقاً همان سیاست و موضع "راه توده" و دیگر وازدگان و طرد شدگان از صفوف حزب طبقه کارگر است.

وزارت اطلاعات در کتاب "از شکل گیری تا فروپاشی (۱۳۲۰-۱۳۶۸)" صفحه ۱۰۰۴ می نویسد: "دیدیم که علی رغم امکانات گسترده ای که حزب کمونیست و کا-گ-ب اتحادشوری برای تجدید سازمان و بقاء حزب منحل توده در سال ۱۳۶۲ فراهم آورد، بقایای این جریان تحت تاثیر شکست مدهش خود در مصاف با انقلاب اسلامی به سرعت فرو ریختند و سیر محتوم به سوی تلاشی و زوال را طی کردند... بدینسان در سال ۱۳۶۸ و با توجه به سرعت و عمق تحولاتی که در جهان مارکسیسم می گذارد، می توانیم با اطمینان از زوال نهایی مارکسیسم ایرانی سخن بگوییم..."

سپس در ادامه افزوده می شود: "در سال ۱۳۷۱، زمزمه هایی به گوش می رسد و در طرح های جدید رهبری حزب توده برای احیاء آن سخن می رود..." آنچه در کتاب به آن اشاره می گردد، طرح برگزاری کنگره سوم و تقویت و قوام فعالیت حزب با برگزاری عالی ترین ارگان آن است.

در خصوص جو آن سال ها و مقدمات برگزاری کنگره سوم و مواضع و اصول سازماندهی حزب نکات جالبی در کتاب فوق وجود دارد که باید به آن اشاره نمود تا عیار مدعیان "وحدت حزب" و نیز جریان ضد حزبی "راه توده" نمایان گردد.

در صفحه ۱۰۰۷ کتاب مزبور با به اصطلاح تحلیل اوضاع حزب و مسایل و مشکلات آن در خصوص کنگره سوم نوشته شده: "در چنین فضای سیاسی فرهنگی (منظور فضای

## ادامه نگاهی به برنامه انکار و ...

فکری ان سال ها است) اگر "کنگره سوم" حزب توده یا مجمع مشابهی تشکیل شود و واقعا به یک انقلاب در ساختار حزب توده دست بزند، تنها با طرح شعارهای افراطی (خوب توجه کنید شعارهای افراطی مثلا طرد رژیم ولایت فقیه) ضد انقلاب اسلامی از سویی و انتقاد عمیق از وابستگی حزب توده در طول تاریخ آن به "سرویس های فرامیلتی کمیتزنی" و نقد شدید سیاست های شوروی در ایران از سوی دیگر می تواند تمایلات ناراضیان را ارضا کند... پروسترویکای حزب توده اگر با نگاه به درون کشور همراه باشد و مشی همگامی با سیاست خارجی مسکو را بپویید و امید مایوسانه به قانونیت در ایران را آشکار تر کند مجبور است در برنامه و استراتژی خود عقب نشینی های بنیادی کند...."

در ادامه با مثال زدن از وضعیت حزب کمونیست ترکیه، در صفحه ۱۰۰۸ خاطر نشان می گردد: "حزب منحل توده اگر بخواهد خود را با این تحولات جدید بین المللی هم خوان کند باید سیاستی با مضمون مشابه احزاب کمونیست ایتالیا و ترکیه در پیش گیرد که به معنای تایید نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای کسب قانونیت در داخل کشور است."

اگر این خط فکری را که در کتاب ۱۲۰۰ صفحه ای وزارت اطلاعات به روشنی هر چه تمامتر مورد تاکید قرار گرفته، دنبال کنیم و به بررسی نتایج آن پردازیم، نکات جالب و قابل توجهی به دست می آید که از لابه لای آنها می توان ماهیت واقعی نظرات "راه توده" را تشخیص داد.

در همین مقطع با برگزاری کنگره سوم حزب و تلاش بی وقفه همه توده ای ها و با پایداری دلیرانه، از ماهیت طبقاتی و جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی دفاع و فصل نویی در تاریخ پر افتخار حزب گشوده شد. درست در همین دوره زمانی و به علت همین دستاورد تاریخی، مرحله تازه جنگ روانی-تبلیغاتی ارگان های امنیتی رژیم آغاز گردید که تا به امروز به اشکال مختلف ادامه داشته است. نشر خاطرات و انتشار نامه اک.ک از درون خانه های امنیتی و با نظارت کامل و تایید ارگان های اطلاعاتی و انتشار نشریه "راه توده" آغاز این مرحله قلمداد می گردد که مضمون آن برخلاف برخی ظاهر سازی های فریبنده، چیزی نیست جز تلاش برای نفی سیاست های اصولی حزب بویژه شعار طرد رژیم ولایت فقیه با هدف تایید نظام جمهوری اسلامی! زیر سؤال بردن سیاست مبارزاتی حزب به منظور حمایت از رژیم جمهوری اسلامی زیر پوشش نبرد که برکه و خانمان برانداز نامیدن شعار اصولی طرد رژیم ولایت فقیه، اگر برای به تسلیم واداشتن حزب و کسب اجازه "قانونیت یافتن در داخل کشور و تایید نظام نیست"، چه نام دیگری می توان بر آن نهاد؟ بی دلیل نبود که اک.ک در نامه خود توده ای ها را به جدایی از سیاست حزب فرا می خواند و مشی تسلیم طلبانه را زیر عنوان فریبنده "برای پیش برد انقلاب مبارزه کنیم" طرح می ساخت که هم اکنون توسط "راه توده" دنبال می شود و فاقد اعتبار در میان احزاب و نیروهای میهن دوست، ملی و ترقی خواه میهن ما است.

نامه "اک.ک" و انتشار "راه توده" بخشی از یورش دستگاه های امنیتی رژیم ولایت فقیه به شمار می آید که هدف آن تا به امروز بی اعتبار ساختن سیاست های حزب، نفی و انکار موجودیت آن است.

بی دلیل نبود "اک.ک" در نامه خود نوشته بود: "حزب ما از

سال های ۶۲-۶۳ با انتخاب شعار سرنگونی و بعدا طرد رژیم ولایت فقیه، اساسا خود را از عرصه های اصلی مبارزه اجتماعی خارج ساخت، مرکز اصلی مبارزه، در تمام دوران پس از انقلاب تا به امروز بر روی مبارزه طبقاتی و نبرد که برکه متمرکز بوده است و این نبرد همچنان ادامه دارد... انقلاب بهمن هنوز دچار شکست قطعی نگردیده و شعار طرد رژیم ولایت فقیه نادرست است." و سپس نتیجه می گیرد: "با وجود همه اینها و مخالفت های بسیار جدی و اصولی که نسبت به روش های اقتصادی داخلی و سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی داریم و بیان می کنیم، وی و همکارانش به طور کلی در جبهه ارتجاع مورد نظر ما قرار نمی گیرند، بنابراین هر جا که آنها در مسیر مبارزه با این جبهه گام بردارند، باید در مقابل تهاجمات ارتجاع مورد حمایت قرار گیرند...." (نامه "اک.ک" به نقل از آرشیو نشریه "راه توده") با چنین دید و نظری، توطئه کشاندن حزب ما به موضع راست و تسلیم طلبانه شکل گرفت. همه تلاش ها و هیاهوی زیر پوشش وحدت "طیف توده ای ها" برای غلبه چنین نظر راست روانه و غیر کارگری به حزب و رهبری آن بوده و هست. بنابر این جمهوری اسلامی به خوبی از میزان و ژرفای نفوذ معنوی حزب در جامعه آگاه است. سیاست های سال های اخیر حزب ما با برخی نارسایی که بخشی از آن نتیجه فشارارگان های امنیتی و صرف انرژی حزب برای خنثی سازی این توطئه ها است، جای خود را در میان توده های وسیع مردم بویژه زحمتکشانش گشوده و از سوی دیگر نیروهای ملی، مترقی و آزادیخواه نیز به آن واکنش های مثبت نشان می دهند. این واقعیت رژیم را وادار ساخته بر تلاش های تخریبی بر ضد حزب بیافزاید، که در ماه های اخیر شاهد برخی از این گونه اقدامات بوده ایم. در ادامه این تلاش ها، سیاست های حزب ما در این سال ها از سوی جریانان ضد توده ای نظیر راه توده "دعوای رژیم به دلیل سرکوب حزب" معرفی می گردد، در حالیکه مبارزه و مخالفت حزب ما با رژیم نه فقط به دلیل سرکوب حزب و اعدام صدها رزمنده قهرمان توده ای، بلکه به علت خیانت سران رژیم به آرمان های مردمی انقلاب بهمن است. تمام اینگونه تبلیغات با هدف تضعیف حزب و مانع تراشی در راه فعالیت های موثر و روشنگرانه آن و کاستن از میزان تاثیر سیاست حزب ما در داخل کشور و حوادث جاری صورت می پذیرد، است. نشریه "راه توده" در این باره و علیه حزب در شماره ۲۰۸ خود از جمله می نویسد: "مرور نوشته های سخیف و اتهامی اخیر نشریه نامه مردم.... در باره این نوشته های پلنومی، آنچه مربوط به دیدگاه های ضد و نقیض سیاسی آن در ارتباط با ایران است... آنها را ارزیابی هایی بی ارتباط و یا کم ارتباط با واقعیات روز جامعه تشخیص داد." پرسش اینجا است، اگر مواضع حزب بی ارتباط با واقعیت جامعه ایران است، این همه تلاش و صفحه سیاه کردن "راه توده" برای رد نظرات رسمی و معتبر حزب به چه معنا است؟ موضعی که مخاطبی ندارد و با واقعیت جامعه همخوان نیست، چرا باید مرتب و بی وقفه مورد حمله قرار بگیرد؟ و بخش قابل توجهی از محتویات "راه توده" را به خود اختصاص دهد؟

علاوه بر این یکی از شگردهای جدید "راه توده" تبلیغ کتاب های وزارت اطلاعات علیه حزب و فداییان خلق است، علاقه وافر گرداننده ی "راه توده" به این نوع کتاب ها به نوبه خود جالب و افشاگرانه است. "راه توده" در چند نوبت و به دفعات در نقش مبلغ سینه چاک کتاب ۱۲۰۰ صفحه ای وزارت اطلاعات برضد حزب و نیز کتاب "چریک های فدایی خلق" بر ضد فداییان خلق ظاهر شده است و مهمتر اینکه برای اثبات مدعیات خود از جمله در یادمانده نگاری ها بر اساس اعترافات و اطلاعات امنیتی که به صورت هفته ای منتشر می گردد، به این کتاب به عنوان یک مرجع اشاره می کند. نشریه "راه توده" شماره ۲۱۰، دوشنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ در مطلبی با عنوان "سخنان تاریخی شادروان جوانشیر در حسینیه زندان اوین" به تبلیغ این کتاب پرداخته و می نویسد: "از جمله کتاب هایی که در سال های اصلاحات در ایران منتشر شده، یکی هم کتاب "حزب توده از آغاز تا فروپاشی" است که اخیرا عبدالله شهبازی در وب سایت خویش نوشت که این کتاب نیز از مجموعه نوشته های منتشر شده اوست... این کتاب که بالغ بر ۱۲۰۰ صفحه است، یا وسیع در ایران فروش رفته و یا حکومت خود آن را جمع کرده است (خوب به جملات توجه کنید) زیرا تلاش های سه ماهه اخیر برای تهیه مجدد آن به نتیجه نرسیده است. کتاب را اگر یک تیم سه یا چهار نفره روی آن کار کرده و سنگ و کلوخ های آن را جدا کنند، آنچه باقی می ماند یکی از بهترین کتاب هایی می شود که می تواند الگوی بازسازی مجدد حزب توده ایران در شرایط مناسب برای فعالیت علنی برای نسلی است که سال های بعد از انقلاب ۵۷ و یا دهه ۳۰ را نه دیده و نه به یاد دارد...."

"راه توده" به این ترتیب، این کتاب را با حذف به قول خودش "سنگ و کلوخ ها" از بهترین کتاب ها معرفی می کند. اما نباید فراموش کرد که "راه توده" در شماره ۱۸۱ خود به تاریخ دوشنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۷ در مطلبی با نام "دو کتاب، خاطرات لاهرودی،



## ادامه نگاهی به برنامه انکار و ...

شاهکار شهبازی"، در باره این کتاب نوشته بود: "مستندات این کتاب چنان هوایی و غیر قابل قبول است که خود شهبازی نیز پس از انتشار کتاب مذکور، در سایت خودش نوشت از این کتاب خویش راضی نیست. زیرا مستندات آن قابل اعتنا نیست!!" این شگردی شناخته شده محسوب می شود و استناد به سخنان فردی چون شهبازی نیز کاملاً جعل و دروغ است. عبدالله شهبازی در معرفی کتاب و فعالیت های خود برخلاف دروغ پردازی "راه توده"، در سایت خود به تاریخ سه شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه چنین می نگارد: "من بنیان گذار نامدارترین و موثرترین موسسه پژوهشی وزارت اطلاعات، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، بوم و بیش از یک دهه گرداننده آن... تعلق من به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روشن است... برای افزایش دانش ایشان و کارمندان (منظور روح الله حسینیان است) مطالعه کتب تالیف، یا ویراستاری خود را توصیه می کنم که جدی ترین ماخذ نگاشته شده پس از انقلاب به شمار می رود، کژراهه احسان طبری، خاطرات ایرج اسکندری، خاطرات نورالدین کیانوری (سه رهبر اصلی حزب توده که هر سه کتاب ویراسته من است) و نیز جزوه ۱۲۰۰ صفحه ای که در هفته های اخیر توسط موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی با نام حزب توده، از شکل گیری تا فروپاشی منتشره شده، همان گونه که پیش تر گفتم این جزوه (کتاب ۱۲۰۰ صفحه ای) قریب دو دهه در دانشکده اطلاعات تدریس می شد ولی به دلیل نیاز به اصلاح و برای انتشار... وقت کافی برای ویرایش و باز نویسی آن را نیافتم و به همان شکل ابتدایی، با درخواست من بدون ذکر نام مولف، منتشر شده است."

این جملات را با نوع تبلیغات "راه توده" در کنار هم قرار دهید و مقایسه کنید، آیا جز این است که "راه توده" با جعل، دروغ پردازی و خیرسازی به تبلیغ محصول وزارت اطلاعات آگاهانه مشغول است و در این راه به هیچ اصول اخلاقی پایبند نیست و سخنان شکنجه شدگان در حسینیه اوین را که همگان از ماهیت اینگونه شوها با خبرند، به عنوان سخنان تاریخی جا می زند. اینچنین جعلیاتی ادامه همان سیاست انکار، نفی و تخریب حزب و حتی بد نام ساختن رفقای که تسلیم رژیم نشدند و جلادان به دلایل کاملاً روشن "صلاح دیدند"، آنان را در دادگاه های تفتیش عقاید چند دقیقه ای در سال ۱۳۶۷ محکوم به اعدام کنند.

سیاست انکار، نفی و تخریب حزب، برنامه ای چند وجهی و پیچیده است که در اشکال متنوع و متناسب با زمان مشخص اجرا شده و می شود. در این میان شگفت آور رفتار و عمل مدعیانی است که خود را مدافع وحدت صفوف حزب معرفی می سازند، اما درست خلاف تمام اصول شناخته شده و موازین احزاب کارگری و کمونیستی، با نادیده انگاشتن اساسنامه حزب و ارگان های صلاحیت دار حزبی، دم از سازماندهی بحث برای نزدیکی "طیف های توده ای" می زنند.

اگر خود را پایبند به اصول و موازین زندگی حزبی و از جمله سانتالیسم دمکراتیک می دانیم، چرا و به چه دلیل موجودیت حزب انکار و فعالیت دلیرانه حزب در اوضاعی بس نامساعد، زیر نام "طیف های توده ای" نفی می گردد؟

خطاب به همه مدعیان راه اندازی بحث و مبلغان انکار حزب زیر پوشش "طیف های توده ای" تاکید می کنیم، حزب اینبار نیز اجازه نخواهد داد بنیان های سازمانی و نیز سیاسی و

ایدئولوژیک آن دستخوش نوسان های لحظه ای گردد. قانونیت تصمیمات حزب که همگی در مراجع و ارگان های صلاحیت دار مانند کنگره های سوم، چهارم و پنجم و پلنوم های وسیع و عادی مورد بحث، بررسی و تصویب قرار گرفته، بیانگر اراده اعضای حزب بوده و خدشه ناپذیر است. آنچه سبب تقویت صفوف حزب و ارتقاء نقش آن در مبارزات میهن ما می گردد پایبندی به ایدئولوژی خط مشی اساسنامه و برنامه حزب است. پذیرش این واقعیت به معنای خط بطلان بر نظریه ضد حزبی و دشمن ساخته نفی موجودیت حزب و تبلیغ طیف های توده ای است. به این ترتیب با مراجعه به نوشته ها و تبلیغات جریانات ضد توده ای چون "راه توده" و به ویژه عکس العمل آن در برابر برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع اخیر و تاثیر بسیار مثبت سند مصوبه پلنوم، "در باره وحدت و دشواری ها..." می توان علت حملات رو به گسترش بر ضد حزب توده ایران را دید و به ارزیابی آن نشست. علل و ریشه این حملات که بدون تردید در آینده افزایش خواهد یافت بر محور برنامه انکار، نفی و تخریب حزب قرار دارد. نمی توان خود را توده ای نامید و علیه این سیاست موضع روشن و قاطع نداشت.

در پایان ضروری است که به نامه ای که آقای فریبرز بقایی به دفتر "نامه مردم" ارسال کرده است و عکس العمل "راه توده" به آن اشاره کنیم. آقای بقایی در نامه ای با عنوان "به سر دبیر نامه مردم" که در سایت اینترنتی "بنیاد فرهنگی دکتر فریبرز بقایی برای روشنگری" منتشر شده است ضمن قبول این مسئله که نقل قول ارائه شده از سوی سند پلنوم وسیع کمیته مرکزی از راه آزادی دقیق است و از نظر "حقوقی" کار نادرستی صورت نگرفته است، این عمل حزب را محکوم و غیر قابل دفاع می داند زیرا به گفته او "آنچه حمید احمدی در این مقاله به گفته من استناد می کند واقعیت ندارد..." آقای بقایی خوب می داند که حمید احمدی در همان مقاله اشاره می کند که "من این حرف ها را از بقایی روی نوار دارم!!"

ما در عین حال تمامی پایگاه اینترنتی آقای بقایی را برای تکذیب نامه ای در این زمینه و با نامه مشابه آنچه به سر دبیر نامه مردم ارسال شده به بابک امیر خسروی، به عنوان سردبیر راه آزادی و یا به بنیاد حمید احمدی گشتیم و چنین تکذیب نامه ای را نیافتیم تنها نامه تشکر و قدردانی از خدمات بنیاد حمید احمدی را پیدا کردیم. برای ما روشن نیست که چرا آقای بقایی در تمامی این سالها چنین تکذیب نامه ای را منتشر نکرده است و یا چه مسئله بی سبب شده است که پس از پر کردن ساعت ها نوار مصاحبه با آقای احمدی، و قدردانی از زحمات امروز او را به دروغ گویی متهم می کند. حتی توضیحات امروزین آقای بقایی در زمینه این پول با بخش هایی از نواری که در سایت خود او نیز موجود است نیز در تناقض است. اشاره سند پلنوم کمیته مرکزی حزب ما به این مقاله تنها به عنوان مشتکی از خروار بوده و هست. ناراحتی دیگر آقای بقایی اشاره سند پلنوم کمیته مرکزی حزب ما به آزادی او توسط رژیم است. بدیهی است که اشاره سند پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب ما نه به همه زندانیان سیاسی آزاد شده، از جمله شماری از زندانیان سیاسی قهرمان زن که از بندهای رژیم رستند، بلکه معدودی از رهبری حزب از جمله فریبرز بقایی است. همان طور که سند پلنوم اشاره می کند در تمامی این سال ها انبوهی از گزارشات مختلف از بازماندگان شهدا و همچنین شمار زیادی از رفقای قهرمان توده ای، پیش از اعدامشان، به دست حزب رسیده است که تصویر روشنی از عملکرد شماری از اعضای رهبری وقت حزب به دست می دهد. بی شک این اسناد مهم تاریخی در زمان مناسب انتشار پیدا خواهند کرد (همان طور که ما بخش هایی از این گزارش ها را در جلد دوم کتاب شهدای توده ای استفاد کردیم) و حقایق تلخ این دوران دشوار را از قهرمانی های بی ماندی همچون رحمان هاتفی ها، کی منش ها، حجری ها، سیمین فردین ها، نیک آئین ها، شناسایی ها، معلم ها، علوی ها، حسین پور ها، و صدها تن دیگر و در کنار آن ضعف ها و حتی خیانت معدود کسانی بیش از پیش روشن خواهند کرد.

## ادامه شادباش نوروزی کمیته مرکزی ...

رژیم ضد مردمی حاکم بر میهن ما در تمامی سی سال گذشته همواره تلاش کرده و می کند تا با تاختن بر این سنن گرامی و "ضد اسلامی" دانستن آنها، مردم میهن ما را از تاریخ و سنن خود دور کند. این تلاش ها با همه ترندها و فشارهای رژیم با شکست قاطعانه رو به رو شده و امسال مانند همه سه دهه گذشته مردم میهن ما با وجود همه دشواری های پیش رو، با همه فشارها و محرومیت های اقتصادی-اجتماعی به استقبال نوروزی دیگر، با آرزوهای والای رهایی از زنجیرهای استبداد، می روند. سالی که گذشت سال تشدید دشواری های روزافزون اقتصادی-اجتماعی، به خاطر سیاست های ضد مردمی و فاجعه بار دولت برگرآمده ولی فقیه، یعنی دولت محمود احمدی نژاد بود. رشد نجومی تورم تا حد ۲۶ درصد، در حالی که دستمزد زحمتکشان رشد ناچیزی داشته است، در کنار تشدید سریع روند بیکاری، که نزدیک به سه میلیون ایرانی را از حق زندگی آبرومندانه محروم کرده است، و همچنین رشد فزاینده دره عظیم میان فقر و ثروت، که بیش از ۴۰ درصد شهروندان را، بر اساس آمارهای رسمی رژیم، به زیر خط فقر حول داده است، در مجموع شرایط دهشتناکی را برای میلیون ها خانواده ایرانی پدید آورده است.

ورشکستگی اقتصادی، با وجود درآمد بی سابقه دولت از محل فروش نفت و گاز، و روند فزاینده ورشکستگی واحد های تولیدی نشانگر این واقعیت است که نه تنها تمامی قول های عوام فریبانه احمدی نژاد در زمینه رسیدگی به وضعیت محرومان و گذاشتن "پول نفت بر سر سفره مردم" دروغ بوده است، بلکه اتخاذ مجموعه ای از سیاست های عمیقاً ضد ملی و ضد مردمی، در راستای منافع کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک نوین، خصوصاً بخش نظامی آن، شدیداً به زیر ساختار تولیدی کشور و توان آن در دراز مدت لطمه زده است و وضعیت بسیار نگران کننده و دشواری را برای کشور ما پدید آورده است. افزون بر فشارهای شدید اقتصادی-اجتماعی ما همچنین شاهد تشدید جو سرکوب و خفقان و تلاش های سازمان یافته دستگاه های گوناگون امنیتی رژیم، زیر نظر ولی فقیه، برای درهم کوبیدن مبارزات و فعالیت های اجتماعی-سیاسی جنبش دانشجویان و بیکار دیربانه زنان میهن ما بوده است. حملات مداوم ماه های اخیر ارکان های امنیتی بر ضد دانشگاه های مختلف کشور، دستگیری ده ها فعال دانشجویی و ادامه تلاش های سران رژیم برای درهم شکستن تشکل های دانشجویی بخشی از برنامه های رژیم برای خنثی کردن مبارزات گردان های اجتماعی در آستانه انتخابات آینده ریاست جمهوری است. مبارزات دیربانه زنان میهن ما نیز با حملات و دشواری های مشابهی رو به رو بوده است. دستگیری های اخیر فعالان جنبش زنان و صدور احکام ظالمانه زندان برای فعالان جنبش زنان نشانگر ادامه نگرانی های جدی سران رژیم از مبارزات رشد یابنده زنان میهن ما، برضد قوانین زن ستیزانه حاکم و بررغم همه دشواری های موجود است.

سال ۱۳۸۷، همچنین سال ادامه تلاش ها و مبارزات مستقل جنبش کارگری بوده است. تلاش های ارزنده فعالان و پیشروان جنبش کارگری در به راه اندازی سندیکاهای مستقل کارگری با عکس العمل شدید و تهاجم خشن ارگان های امنیتی برضد این تشکل ها رو به رو شد. ادامه مبارزه طبقه کارگر ایران، با وجود همه دشواری ها و ضعف های کمبود ساختار های صنفی-سندیکایی، نشانگر هوشیاری و توان جنبش کارگری کشور برای تأثیر گذاری بر رویدادهای کنونی و آینده کشور است. کارزار وسیع همبستگی جهانی با اسیران و زندانیان سیاسی جنبش سندیکایی کشور، از جمله منصور اسانلو، رهبر سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی، از موفقیت چشم گیر مبارزات فعالان سیاسی در خارج از کشور و زمینه ساز فشارهای جدی بر ضد رژیم ضد مردمی بوده است.

## هم میهنان گرامی!

سال ۱۳۸۸، سال مهم تصمیم گیری درباره ادامه دولت احمدی نژاد، و یا برگرآمده دیگری از سوی ولی فقیه رژیم است. سران ارتجاع اکنون ماه هاست که تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تکرار دوم خردادی دیگر به کار گرفته اند. تشدید جو ارباب و خشونت بر ضد نیروهای دگراندیش و اصلاح طلب، در کنار ادامه تلاش برای ایجاد چند دستگی و انشقاق در صفوف اصلاح طلبان حکومتی و همچنین جلوگیری از شرکت فعال نیروهای اجتماعی در روند انتخابات آتی و آماده شدن نیروهای نظامی و انتظامی برای تکرار تجربیات انتخابات دوره پیش و سازمان دهی دخالت و تقلبات گسترده در روند انتخابات همگی بخشی از برنامه های سران ارتجاع برای ادامه وضعیت فاجعه بار کنونی است. تنها با حضور وسیع و سازمان یافته همه نیروهای مردمی، گردان های اجتماعی جنبش، و نیروهای ملی و آزادی خواه کشور است که می توان جلوی توطئه های ارتجاع را سد کرد و اجازه نداد تا فاجعه انتصاب احمدی نژاد دیگری تکرار شود. بی شک ارتجاع خواهد کوشید تا همه ابزارهای قدرت، از جمله نظارت استصوابی شورای نگهبان ارتجاع، و دخالت نیروهای سرکوبگر برای جلوگیری از شرکت گسترده مردم در انتخابات آینده، را به کار گیرد ولی تجربه سال های اخیر نشان داده است که می توان با سازمان دهی حرکت مشترک وسیع مردم و نیروهای اجتماعی سیاسی خواست های جنبش را به ارتجاع حاکم تحمیل کرد. نباید با پراکندگی و اتخاذ سیاست های غیر واقع بینانه (همان طور که در انتخابات پیشین رخ داد) اجازه داد تا ارتجاع به خواست های خود دست یابد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را به همکاری و تلاش مشترک برای شکست توطئه های ارتجاع حاکم فرا می خواند. می توان با اتحاد عمل و حرکت منسجم و سازمان یافته سال ۱۳۸۸ را به سال پیروزی های بزرگ در راه تحقق آرمان های والای جنبش مردمی بدل کرد.

**نورزوتان پیروز و سال نو مبارک باد!**  
**دست در دست هم برای تشکیل جبهه واحد ضد استبداد برای طرد رژیم ولایت فقیه و دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!**

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۵/اسفندماه ۱۳۸۷

## ادامه بیکار زنان ...

در عصر روز شنبه ۱۶ اسفند ماه برگزار شد. در این گردهمایی نمایندگان جنبش ها و سازمان های ترقی خواه زنان کوبا، ایران، عراق، بریتانیا، ایرلند، ونزوئلا، سودان و قبرس شرکت داشته و سخنرانی کردند. رفیق "ناسی کورو آکوئیار"، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا و از رهبران جنبش زنان کوبا، در این جشن در رابطه با پنجاهمین سالگرد انقلاب کوبا و دستاوردهای بزرگ و همه جانبه آن برای زنان کوبا سخن گفت.

سپس دبیر دوم سفارت ونزوئلا در انگلستان و از نمایندگان جنبش زنان ونزوئلا، رفیق ناتالی ویواس، در رابطه با تغییرات تعمیق یابنده سیاسی و اجتماعی سال های اخیر در ونزوئلا و دستاوردهای انقلاب بولیواری برای زنان زحمتکش کشورش سخن گفت. نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران سخنران بعدی جشن زنان ترقیخواه جهان در لندن بود. او در سخنرانی خود ضمن اشاره به تاریخ معاصر مبارزات زنان ایران و از جمله تاریخ برگزاری جشن هشتم مارس در ایران به تشریح بیکار زنان آزادی خواه ایرانی در مبارزه برای تحقق برابری حقوق زنان، بر ضد ستم جنسی و بر ضد ارتجاع و استبداد پرداخت. نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ضمن اشاره به نقش برجسته مبارزات زنان میهن ما در دهه های اخیر و اهمیت پیوند خوردن این مبارزات با بیکار دیگر گردان های جنبش مردم ایران برای تغییرات پایه ای در کشور اشاره کرد. او در بخش دیگری از سخنان خود ضمن توضیح کارزارهای مشخص جنبش زنان میهن ما، از جمله کارزار "یک میلیون امضا" به تهاجم خشن دستگاه های امنیتی رژیم بر ضد فعالان جنبش زنان اشاره کرد و ضمن محکوم کردن احکام ظالمانه بیدگاه های جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالان جنبش زنان، از جمله عالیله اقدام دوست شد.

سخنرانی بعدی از عراق، خانم "شانا بیسیرانی"، به نمایندگی از "لیگ زنان عراق" به زندگی و مبارزه زنان عراقی در سال های اخیر در شرایط جنگ و اشغال نظامی کشور و مبارزه هدفمند زنان عراقی برای پیروزی روند تغییرات سیاسی و نقطه پایان گذاشتن به جنگ، ترور و خشونت سخن گفت. از جمله دیگر سخنرانان دیگر این نشست رفیق لیندا واکر، صدر حزب کمونیست ایرلند، رفیق آیتنا هلین، صدر حزب کمونیست بریتانیا، رفیق امل سید احمد، نماینده حزب کمونیست سودان، رفیق سوزی کونستانینز، نماینده "لیگ زنان قبرس"، رفیق جوان استیونسون، صدر لیگ جوانان کمونیست و پروفیسور مری دیویس، آکادمیک مشهور انگلیسی و از رهبران اتحادیه بزرگ استادان دانشگاه های انگلستان نام برد.

در بخش هنری جشن خانم "سحیرا"، از فعالان "لیگ زنان عراق" با نواختن عود و آواز از حضار پذیرائی نمود. در بخشی از برنامه جشن از مدعوین و شرکت کنندگان با غذاهای متنوع ایرانی که به کوشش فعالان و هواداران حزب توده ایران تهیه شده بود پذیرائی شد.



نظر قرار گرفت.  
در نشست سودمند چند جانبه ای که با احزاب کمونیست و سازمان های مارکسیست خاورمیانه و از جمله در فلسطین و اسرائیل برگزار شد، حمله نظامی جنایتکارانه و ویرانگرانه اخیر اسرائیل به غزه و تحولات منطقه ای در این رابطه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. وحدت نظر احزاب شرکت کننده در این بحث بر سر اهداف دولت اسرائیل، انتخاب مودبانه زمان حمله، چشم بستن دولت آمریکا و متحدان ناتوی آن بر این جنایت، پیامد های تراژیک این حمله جنایتکارانه برای مردم غزه، ارزیابی ماهیت عملکرد و سیاست های حماس، راه برون رفت از بن بست کنونی و مسئولیت ویژه نیروهای مترفی فلسطینی در این رابطه قابل توجه بود.

### نمایش همبستگی بین المللی

به دعوت رهبری حزب برادر هیئت نمایندگی حزب توده ایران در سومین روز برگزاری کنگره در گردهمایی همبستگی با مبارزه خلق ها در جهان، که توسط سازمان حزبی در شهر بندری "پیرائوس" که حزب کمونیست یونان در آن ریشه های عمیق دارد و شهردار آن عضو کمیته مرکزی حزب است، شرکت و سخنرانی کرد. پیرائوس سومین شهر یونان و بزرگترین بندر این کشور است. پیرائوس در جریان جنگ جهانی دوم وسیعاً بمباران و ویران شده بود. در گردهمایی همبستگی که تعداد کثیری در آن شرکت داشتند، همچنین نمایندگان احزاب کمونیست از آفریقای جنوبی، پرتغال، فدراسیون روسیه، هند و بلغارستان نیز در پلاتفرم در کنار نماینده حزب مان سخنرانی کردند.

نماینده حزبمان پس از تشکر از حزب کمونیست یونان برای برگزاری این گردهمایی به روابط عمیق و دیرپای کمونیست های یونانی و ایرانی اشاره کرد و از همبستگی پیگیر زحمتمکشان و کمونیست های یونان از مبارزه دشوار مردم میهن برای دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی قدرانی کرد. او آنگاه به محور های اساسی مبارزه مردم ایران در برهه کنونی اشاره کرد و ضمن تشریح وضعیت دشوار حاکم در کشور به دلیل عملکرد ارتجاعی رژیم و خطراتی که از جانب امپریالیسم متوجه استقلال واقعی و حق حاکمیت مردمی می باشد، به ضرورت اتحاد همه نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک در کشور اشاره کرد. نماینده حزب مان ضمن توضیح اهمیت محوری مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر در ارتباط تنگاتنگ و در راستای سازماندهی مبارزه برای عدالت و پیشرفت اجتماعی، این امر را که مبارزه برای تعیین مسیر تحولات آینده در ایران فقط و فقط به اراده و خواست مردم میهن مان مربوط است، حزب ما هرگونه مداخله ای را در اوضاع کشور تحت هر بهانه ای مردود و مذموم می شمارد. در پایان جلسه با اهدای دسته گل و یک قطعه یادبود از طرف شهردار از سخنرانان تشکر شد و آنگاه نمایندگان در ضیافت شامی که از سوی شهردار شهر سازمان داده شد بود و در آن یک گروه موزیک سنتی یونانی هنرنمایی می کرد، شرکت کردند.

در جریان این کنگره بیانیه مهمی در همبستگی با مبارزات خلق فلسطین به تصویب بیش از ۶۰ حزب کارگری و کمونیستی جهان، از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران رسید.

### ادامه گزارش شرکت هیئت ...

کمیته مرکزی که عمیقاً و وسیعاً برای ماه ها در جلسات قبل از کنگره مورد بحث همه جانبه ساختارهای پایه حزب قرار گرفته اند، اشاره کرده بود.

### فراخوان جبهه ضد انحصاری - ضد امپریالیستی

در ارائه سند اول برای بحث و تصمیم گیری نهائی در کنگره رفیق پاپاریگا ابتدا به اهمیت ویژه کنگره در اینکه در دوره ای صورت می گیرد که در آن مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح بین المللی، منطقه ای و ملی مطرح می باشند، اشاره کرد. او در رابطه با اسناد مورد بحث در کنگره اظهار داشت: "اکثریت عمده اعضای حزب ارزیابی اصلی مطرح در تزه را مورد تاکید قرار داده اند... بحث های درون حزبی نشان می دهد که حمایت از هر دو سند بر پایه قابل اتکائی قرار دارد. و اینکه وحدت ایدئولوژیک و سیاسی حزب ما که در جریان تجربه اندوزی مان، مبارزات و نبرد ایدئولوژیک - سیاسی ما حاصل شده است، اکنون قدرتمندتر و ضروری تر می باشد." رفیق پاپاریگا "شعار کنگره ۱۸" ضد حمله در همه جبهه ها را "برجسته می کند - در جنبش، در کار و هدایت حزبی. ما نیاز داریم که عملکرد و فعالیت های مان را با آن مطابق بکنیم. ما می توانیم موفق شویم و از عهده این چالش ها بر آیم."

"صحت انتخاب موضوع دو بحث محوری کنگره ("عملکرد حزب" و "تزه های در رابطه با سوسیالیسم" در کنگره ۱۸ به اثبات رسید. بحث های پیش از کنگره وحدت این دو موضوع را برجسته تر کرد که این در شعار اصلی کنگره، "ضد حمله" و در ضرورت پاسخ دادن به مسایل پایه ای که به دلیل پیروزی ضد انقلاب به وجود آمده اند، منعکس می باشد."

"قبل از کنگره ما بر این باور بودیم که باید بدون هدر دادن زمان به مطالعه ساختمان سوسیالیسم بپردازیم. امروز ما مطلقاً متقاعد شده ایم که این تصمیم را نمی توان به آینده واگذار کرد، مخصوصاً اکنون که ضرورت سوسیالیسم از هر زمانی بیشتر حیاتی است."

کنگره حزب کمونیست یونان جنبش کارگری را فرا خواند که اتحاد مبارزه جویانه ای را با زحمتمکشان و دهقانان در تلاش برای رسیدن به اهداف ضد انحصاری، ضد امپریالیستی به منظور پایان دادن به خصوصی سازی، بهبود خدمات اجتماعی برای همه، مخالفت با نولیبرالیسم اتحادیه اروپا، و خارج شدن از اتحادیه اروپا و پیمان ناتو شکل دهد. سند کنگره این برداشت محوری را مطرح می کند که همزمان با پیشرفت مبارزه و آماده شدن صحنه برای سرنگونی حاکمیت سرمایه داری، دستیابی به "قدرت خلقی" و ساختمان یک "اقتصاد خلقی" شکل خواهد گرفت.

### تبادل نظر با احزاب برادر

هیئت نمایندگی حزب در حاشیه کنگره ملاقات های دو جانبه و چند جانبه سودمندی با هیئت های نمایندگی برخی از احزاب کمونیست شرکت کننده و از جمله حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست مصر، حزب مردم فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست آفریقای جنوبی، حزب کمونیست ونزوئلا، حزب کمونیست سری لانکا، حزب کمونیست پاکستان، حزب کمونیست هند و آکل قبرس برگزار کرد که در جریان آن تحولات ایران و خاورمیانه و تحلیل های حزب توده ایران در این رابطه مورد بررسی و تبادل

## گزارش شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در هجدهمین کنگره حزب کمونیست یونان تهاجم متقابل در همه عرصه ها و در راستای دستیابی به سوسیالیسم



کارگران کارگاه های کوچک، جنبش زنان را خوش آمد گفت. آنگاه آقای سیوفیاس، صدر پارلمان یونان، پیام تبریکی را به کنگره هجدهم حزب کمونیست یونان ارائه کرد و از جمله به مواضع پیگیر حزب در پیش برد سیاست های خود در حمایت از زحمتکشان یونان و نقش حزب در ساختار دموکراتیک یونان اشاره کرد.

کنگره بررسی، تدقیق و تصویب دو سند اساسی و از جمله بررسی نتایج عملکرد حزب بین دو کنگره و برنامه کاری طرح شده آن برای دوره بین این کنگره و کنگره ۱۹ برای پیشبرد اهداف برنامه ای حزب در جامعه یونان و همچنین سند تحلیلی-تاریخی "برداشت ها و نتیجه گیری ها از ساختمان سوسیالیسم در قرن بیستم و مقوله سوسیالیسم در یونان" را در دستور کار قرار داد.

در بحث های کنگره ای و در سخنرانی ها و اظهارات نمایندگان کنگره به وضوح آشکار بود که کمونیست های یونان هجدهمین کنگره را به مثابه نقطه اوج بحث هائی تلقی می کنند که از کنگره ۱۴ حزب در سال ۱۹۹۳ و پس از فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اروپای شرقی "در رابطه با عوامل موثر در سقوط سوسیالیسم و نقش حزب کمونیست در مبارزه برای سوسیالیسم" آغاز شده بود. رفیق پاپاریگا در اظهار نظرهای مطبوعاتی قبل از کنگره خود، هجدهمین کنگره را "یکی از مهم ترین کنگره های تاریخ حزب" معرفی کرده بود و به عنوان دلیل به "گسترش مداوم نفوذ حزب در جامعه یونان" و اینکه در این کنگره تصمیم نهایی حزب بر روی دو سند ارائه شده از سوی

به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در روزهای ۲۹ بهمن الی ۳ اسفند در هجدهمین کنگره حزب برادر، در آتن، پایتخت یونان شرکت کرد. بیش از ۵۵۰ نماینده رسمی کنگره و ۴۰۰ ناظر از سازمان های حزبی، در حضور نمایندگان ۸۵ حزب کمونیست- کارگری و جنبش های آزادی بخش ملی از ۷۲ کشور جهان، در این کنگره مهم که در محل آمفی تئاتر عظیم مجتمع ساختمانی حزب کمونیست یونان برگزار شد، حضور داشتند. در طول پنج روز بحث همه جانبه اسناد کلیدی مورد بررسی شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت.

تالار محل برگزاری کنگره با پرچم ها و پلاکاردهای حامل شعارهائی در انکاس اهداف کنگره تزئین شده بود. در بالای پلاتفرم و محل نشستن هیئت سیاسی و مسئولان برگزاری کنگره آرم هجدهمین کنگره و شعار مرکزی کنگره در رابطه با "ضد حمله" برای قرار دادن سوسیالیسم در دستور کار مبارزات سیاسی- اجتماعی قرار داشت.

هجدهمین کنگره با سخنرانی رفیق آلکا پاپاریگا، دبیر کل حزب برادر، در روز ۱۸ فوریه، در میان ابراز احساسات پرشور نمایندگان کنگره آغاز شد. مسئول اداره کنگره رفیق تزیانتزی سپس با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام رفیق فقید فلوراکیس، دبیر کل سابق حزب، و تمامی رفقای که در فاصله دو کنگره در گذشته اند، شروع کار کنگره را اعلام داشت. او با اهداء نتایج و کار کنگره به رفقای فقید متذکر شد که "ما همیشه آنان را به یاد خواهیم داشت".

رفیق تزیانتزی آنگاه به هیئت های نمایندگی احزاب برادر خوش آمد گفت و حضور نمایندگان نیروهای سیاسی عمده یونان و از جمله آقای دمیتریس سیوفیاس، سخنگوی پارلمان یونان، و دبیر گروه پارلمانی حزب سوسیالیست یونان، آقای ریاس، و همچنین سفرای کوبا، چین، قبرس، ونزوئلا و فلسطین در مراسم افتتاحیه را اعلام کرد. مسئول اجلاس افتتاحیه همچنین حضور صدها تن از نمایندگان اتحادیه های کارگری، مسئولان دولت های محلی و منطقه ای، شعرا و نویسندگان و اساتید دانشگاه ها و مراکز علمی، نمایندگان

### ادامه در صفحه ۱۱

#### کمک های مالی رسیده

۱۰۰ یورو  
۱۰۰۰ کرون

به یاد به آذین  
داریوش از ایران

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 812**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

**Monday 16th March 2009**

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse